

سؤال : آیا کتاب مقدس مخالف تعمید نوزادان است؟

جواب : بهتر است به خود کتاب مقدس مراجعه کنیم:

۱). اما چون ((تمامی قوم)) تعمید یافته بودند و عیسی هم تعمید گرفته دعا می کرد ، آسمان شکافته شد
لوقا ۳:۲۱

۲). خدا را شکر می کنم که هیچ یکی از شما را تعمید ندادم جز کرسپس و قایوس، که مبادا کسی گوید که به نام خود
تعمید دادم. و ((خاندان استیفان)) را نیز تعمید دادم و دیگر یاد ندارم که کسی را تعمید داده باشم.
۱قرنتیان ۱:۱۴-۱۶

۳). و زنی لیدیه نام، ارغوان فروش، که از شهر طیاتیرا و خداپرست بود، می شنید که خداوند دل او را گشود تا سخنان
پولس را بشنود. و چون او و ((اهل خانه اش)) تعمید یافتند، خواهش نموده، گفت: «اگر شما را یقین است که به
خداوند ایمان آوردم، به خانه من در آمده، بمانید.» و ما را الحاح نمود.
اعمال ۱۴:۱۶-۱۵

۴). و در قیصریه مردی کرنیلیوس نام بود، یوزباشی فوجی که به ایتالیانی مشهور است. و او با ((تمامی اهل بیت اش))
متقی و خداترس بود که صدقه بسیار به قوم می داد و پیوسته نزد خدا دعا می کرد.....
چون پطرس داخل شد، کرنیلیوس او را استقبال کرده، بر پای هایش افتاده، پرستش کرد. اما پطرس او را برخیزانیده،
گفت: «برخیز، من خود نیز انسان هستم.» و با او گفتگو کنان به خانه درآمده، ((جمعی کثیر)) یافت....
پس بدیشان گفت: «شما مطلع هستید که مرد یهودی را با شخص اجنبی معاشرت کردن یا نزد او آمدن حرام است.
لیکن خدا مرا تعلیم داد که هیچکس را حرام یا نجس نخوانم...
این سخنان هنوز بر زبان پطرس بود که روح القدس بر ((همه آنانی که کلام را شنیدند))، نازل شد. و مومنان از اهل
ختنه که همراه پطرس آمده بودند، در حیرت افتادند از آن که بر امتها نیز عطای روح القدس افاضه شد، زیرا که
ایشان را شنیدند که به زبان ها متکلم شده، خدا را تمجید می کردند .
آنگاه پطرس گفت: «آیا کسی می تواند آب را منع کند، برای تعمید دادن اینانی که روح القدس را چون ما نیز یافته اند.»
پس فرمود تا ایشان را به نام عیسی مسیح تعمید دهند. آنگاه از او خواهش نمودند که روزی چند توقف نماید.
اعمال رسولان باب ۱۰

۵). اما قریب به نصف شب، پولس و سیلاس دعا کرده، خدا را تسبیح می خواندند و زندانیان ایشان را می شنیدند. که ناگاه زلزله ای عظیم حادث گشت بحدی که بنیاد زندان به جنبش درآمد و یک دفعه همه درها باز شد و زنجیرها از همه فرو ریخت. اما داروغه بیدار شده، چون درهای زندان را گشوده دید، شمشیر خود را کشیده ، خواست خود را بکشد زیرا گمان برد که زندانیان فرار کرده اند .

اما پولس به آواز بلند صدا زده، گفت: «خود را ضرری مرسان زیرا که ما همه در اینجا هستیم.»

پس چراغ طلب نموده، به اندرون جست و لرزان شده، نزد پولس و سیلاس افتاد .

و ایشان را بیرون آورده، گفت: «ای آقایان، مرا چه باید کرد تا نجات یابم؟»

گفتند: «به خداوند عیسی مسیح ایمان آور که ((تو و اهل خانهات)) نجات خواهید یافت.» آنگاه کلام خداوند را برای او و ((تمامی اهل بیت اش)) بیان کردند. پس ایشان را برداشته، در همان ساعت شب زخمهای ایشان را شست و خود و ((همه کسانش)) فی الفور تعمید یافتند. و ایشان را به خانه خود درآورده، خوانی پیش ایشان نهاد و با ((تمامی عیال خود)) به خدا ایمان آورده، شادگرد شدند.

اعمال ۲۵:۱۶-۳۴

از آنچه در این پنج نمونه بیان شد، تمام « قوم ، خاندان ، اهل بیت ، اهل خانه ، جمع کثیر ، همه کسانش ، تمامی عیال»، به هیچوجه نمی توان تصور کرد که با توجه به شرایط اجتماعی آن زمان کودک و خردسال و نوزادی در بین افراد مورد اشاره نباشد.

فهم و تفسیر پدران کلیسا از این آیات و سنت رایج در کلیسا همه مفسرین کلیسا در ۲۰۰۰ سال گذشته را به این نتیجه می رساند که تعمید نوزادان و کودکان ، آیینی است که از بدو کلیسا بوده است.

شاید درک این واقعیت ، برای ما که در عصر « اصلت فرد » زندگی می کنیم سخت باشد که قبول کنیم یک نوزاد به واسطه ایمان پدر و مادرش ، مسیحی یا مسلمان و یا یهودی باشد ، اما تا چند دهه پیش چنین تصویری عین واقعیت بود.

اگر یک فردی مثلا از بت پرستی به مسیحیت می گروید ، تمام اهل بیت او اعم از همسر و فرزندان و نوکر و کلفت و غلام و برده های او و هر کسی که اهل خانه او محسوب می شدند ، خودبخود باید مسیحی می شدند.

اگر کدخدای دهی تغییر دین می داد یا رئیس قبیله یا پادشاهی به دین دیگری می گروید ، همه تابعین او به همان دین تغییر عقیده می دادند و الا عناد محسوب می شد و باید ترک دیار می کردند ، چنانکه در مورد ابراهیم واقع شد.

تغییر دین مردم در زمان کنستانتین ، یا گرایش آرامنه و آشوریان به مسیحیت مصداق این واقعیت است.

این موضوع محدود به مسیحیت نیست. ادیان دیگر نیز چنین بودند ، حتی اگر کشوری در جنگ شکست می خورد یا باید دین قوم غالب را قبول می کرد یا تنبیه می شد.

مثلا در اسلام روایتی هست به مضمون « الناس علی دین ملوکهم » مردم پیرو دین پادشاه خود هستند .

برخلاف فردگرایی امروز ، بقای یک قوم و ملت مشروط به اتحاد عقیده و ایمان در حوزه اجتماعی بوده است. برای هر یک از ما عادی است که اگر یک بچه دوساله اسمش مهدی باشد ، بگوییم شیعه است و اگر اسمش فاطمه بود بگوییم مسلمان است و اگر اسمش توماس بود بگوییم که مسیحی است.